

Analysis of the Narrative Structure in the Medinan Suras of the Holy Quran

Soheila Jalali Kondori 

Associate Professor, Department of Quranic studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

Nosrat Nilsaz 

Associate Professor, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Sajedeh Nabizadeh 

Ph.D. in Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

Accepted: 20/07/2024

Extended Abstract

1. Introduction

Narration of a story is one of the Quranic concepts that can be seen throughout it and is not specific to the period of Mecca or Medina. Although the initial design of most of the stories is in Meccan suras and Medinan suras, the story is repeated or another version of that story is narrated. In the current research, the structure of Medinan suras' narrations has been examined by using the four components of distribution, word structure and frequency, syntactic structure and audience, in order to analyze and explain the relationship between the structure of the stories and the context of the words and the space of descent. The analysis of the mentioned elements in the stories of Medinan Suras reveals the fact that the narration of the history of the predecessors is completely influenced by the context of the speech, the atmosphere of the revelation of the verses and the condition of the audience. For this reason, different developments of the same story are scattered in different chapters. Also, due to the presence of Jews in Medina, the story of the Bani Israel and their encounter with the divine prophets prevails over other stories in Medinan suras. On the other hand, in the context of narrating the story, a specific vocabulary is used, which

Received: 08/01/2024

ISSN: 2228-6616

eISSN: 2476-6070

– Corresponding Author: s.jalali@alzahra.ac.ir

How to Cite: Jalali Kondori, S., Nilsaz, N., Nabizadeh, S. (2024). Analysis of the Narrative Structure in the Medinan Suras of the Holy Quran, *Journal of Seraje Monir*, 15(49), 55 -81. DOI: 10.22054/ajsm.2025.77424.1993

is mostly related to the stories of the Bani Israel. Two special addresses of the verses are also addressed to them. In addition, because the Muslims in Medina needed the strength of the heart to overcome the enemies, divine help in previous events is remembered.

Research Question

What is the connection between the stories of the Medinan suras and the context in which they were revealed?

2. Literature Review

Numerous writings have been written with a structuralism approach regarding the stories of the Holy Quran 1. In addition, some studies have compared the Quranic narration of a story with its biblical narration 2. Some studies have also compared the Meccan and Medinan versions of a specific story from the Quran 3. Based on the author's findings, no research has focused on all the stories of the Medinan or Meccan suras, and in all cases, what has been studied and researched has been only one story. However, the present study differs from previous studies in terms of the statistical population and the scope of the study text. Meanwhile, the models used in the aforementioned studies are different from each other and from the present study.

3. Methodology

The study approach of the present article is descriptive and in some respects analytical, and its method of data collection is the library method.

4. Conclusion

In the previous study, the structure of the Medinan suras of the Holy Quran was analyzed and explained based on four components: distribution, structure and frequency of words, syntactic structure, and audience. The way in which Medinan stories are scattered shows that the Quran's principle in the Narration of the story is scattering. That is, in accordance with the context of the speech and the audience's mood, whenever there is a need to recall the fate of previous nations, it resorts to the fate of past nations in order to learn a lesson. Therefore, given the political and social atmosphere of Medina and the significant presence of the People of the Book in this city, stories related to the People of the Book, especially the covenant-breaking of Bani Israel, are highly

frequent. These stories are narrated with the aim of introducing the characteristics of the People of the Book as one of the enemies of Muslims and also to warn the audience of the Quran against being similar to them and having problems with them. Lexical analysis reveals the use of specific and coincidental vocabulary, most of which is observed in the context of narrations related to the Bani Israel. The perspective that was discussed under the analysis of syntactic structure indicates God's narrative, which is sometimes "omniscient" who narrates the story from outside as a superior thought, and sometimes it is "the narrator's self" who narrates it as one of the actors in the story. When examining the audience of the stories, a noteworthy point is the specific address of the "Bani Israel", which is linked to the atmosphere of the revelation of the verses and the presence of the People of the Book and the history of their breach of the covenant, although the general address of the stories remains strong.

Notes

1. Amani, Reza et al. (2014), Functionalism of the Repetition Structure in the Illustrations of the Quran (Case Study of the Story of Prophet Moses), *Literary-Quranic Research*, 1(2), pp. 99-120.
2. Taherinia, Ali Baqer and Maryam Darya-Navard (2014), Analysis of the Structure of the Dialogue Element in the Story of Prophet Abraham in the Holy Quran, *Quranic Research in Literature*, 2, pp. 27-52.
3. Salamat Baville, Latifeh (2017), Analysis of the Narrative Structure of the Prophet Ionian Story in the Quran Based on Gerard Genette's Theory, *Journal of Quran and Hadith Research*, 2, pp. 49-68.
4. Alizadeh Manaman, Isa and others (2019), Studying the structure of the story of Prophet Abraham and Lot in the Holy Quran based on Simpson's model, *Science and Religion Research*, 20, pp. 107-128.
5. Nabaiei, Sajedeh and others (1401), Analytical comparison of the story of Abraham (PBUH) in the Meccan and Medinan suras, *Quranic Studies and Islamic Culture*, 3(6), pp. 155-175.

Keywords: Narration of a Story, Story Structure, Medinan Suras, Atmosphere of the Revelation.

تحلیل ساختار روایت در سوره‌های مدنی قرآن کریم

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا (س)،
تهران، ایران

سهیلا جلالی کندری * 

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت
مدرس، تهران، ایران

نصرت نیل ساز 

دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران،
ایران

ساجده نبی‌زاده 

چکیده

روایتگری داستان یکی از مفاهیم قرآنی است که در سراسر آن مشاهده می‌شود و به دوره مکه یا مدینه اختصاص ندارد، گرچه طرح اولیه بیشتر داستان‌ها در سوره‌های مکی است و در سوره‌های مدنی تکرار یا پیرفت دیگری از آن داستان روایت می‌شود. در پژوهش حاضر با کاربری چهار مؤلفه‌ی نحوه پراکندگی، ساخت و بسامد واژگان، ساخت نحوی و مخاطب به بررسی ساختار روایات سوره‌های مدنی پرداخته شده تا از رهگذر آن، ارتباط ساختار داستان‌ها با بستر کلام و فضای نزول تحلیل و تبیین شود. واکاوی مؤلفه‌های یادشده در داستان‌های سوره‌های مدنی، این حقیقت را آشکار می‌سازد که روایتگری سرگذشت پیشینیان کاملاً متأثر از زمینه‌ی سخن، فضای نزول آیات و احوال مخاطب است. به همین دلیل پیرفت‌های مختلف یک داستان در سوره‌های مختلف پراکنده است. همچنین با عنایت به حضور یهودیان در مدینه، داستان بنی‌اسرائیل بر سایر داستان‌ها در سوره‌های مدنی غلبه دارد. از سوی دیگر در سیاق روایتگری داستان، واژگانی اختصاصی و تکامد به‌کاررفته که زمینه بیشتر آن، داستان‌های بنی‌اسرائیل است. دو خطاب اختصاصی آیات نیز متوجه ایشان است.

کلیدواژه‌ها: روایتگری داستان، ساختار داستان، سوره‌های مدنی، فضای نزول.

مقدمه

* نویسنده مسئول: s.jalali@alzahra.ac.ir

یکی از روش‌های قرآن به منظور هدایت مخاطب، روایتگری سرگذشت اقوام و امت‌های پیشین است؛ به‌ویژه سرگذشت انبیای الهی و مرارت‌هایی که در مسیر هدایت قوم متحمل شدند. همچنین سرانجام اقوام ایشان که یا به دلیل تکذیب انبیا به عذاب و لعنت الهی دچار شدند، یا با ایمان و پیروی از ایشان سعادت‌مند و رستگار شدند. این داستان‌ها در سراسر قرآن پراکنده است، گرچه در سوره‌های مدنی به مراتب کمتر از سوره‌های مکی مشاهده می‌شود (۲۱۹ آیه در مقابل ۵۱۸ آیه)^۱. در حقیقت در اغلب موارد طرح داستان در سوره‌های مکی اتفاق می‌افتد و در سوره‌های مدنی به تناسب موقعیت و نیاز مخاطب، یا تکرار و یادآوری می‌شود یا پیرفت^۲ دیگری از همان داستان روایت می‌شود. البته این سبک و سیاق قرآن است که به تناسب فضای سخن خود با مخاطبان و برای عبرت‌گیری هر جا که به یادآوری شخصیت‌ها و قهرمانان پیشین و عاقبت ایشان نیاز باشد، از آن بهره می‌جوید، به گونه‌ای که ذهن شنونده را برای آنکه بداند پس‌ازاین چه اتفاقی خواهد افتاد، درگیر و سرگردان نمی‌کند؛ بلکه او را در دریافت نکته موردنظر یاری می‌دهد و با زمینه سخن نیز تناسب خود را حفظ می‌کند (صالحی‌نیا، ۱۳۹۴: ۲۵۱). در این میان تنها داستان‌های طالوت و جالوت (البقره/۲۴۶-۲۵۱)، هاروت و ماروت (البقره/۱۰۲) و عزیر نبی (البقره/۲۵۹) پیشینه‌ای در سوره‌های مکی ندارد.

در پژوهش حاضر، ساختار داستان‌های مدنی قرآن کریم (داستان‌های مشترک سوره‌های مکی و مدنی و داستان‌های مختص سوره‌های مدنی)، باهدف کشف ارتباط با زمینه‌ی سخن و فضای نزول تحلیل خواهد شد.^۳ در تحلیل ساختار روایت به چهار مؤلفه‌ی

۱. البته به‌نسبت مجموع آیات، سوره‌های مدنی (۲۱۹ آیه از ۱۶۲۳ آیه؛ ۱۳ درصد) در مقایسه با سوره‌های مکی (۵۱۸ آیه از ۴۶۱۳ آیه؛ ۱۱ درصد) درصد بیشتری از داستان را شامل می‌شود.

۲. پیرفت کوچک‌ترین حلقه زنجیره حوادث داستان است و داستان سیر توالی مجموعه‌ای از پیرفت‌هاست (معموری، ۱۳۹۲: ۱۹).

۳. لازم به ذکر است بر اساس روایتی که به اذعان آیت‌الله معرفت بیشتر علما آن را مؤثق می‌دانند (معرفت، بی‌تا: ۱۳۳-۱۳۴) و سیوطی آن را نقل کرده، تعداد سوره‌های مدنی ۲۸ سوره است که ترتیب نزول آن از این قرار است: بقره،

نحوه پراکندگی، ساخت نحوی، ساخت و بسامد واژگان و مخاطب توجه می‌شود. همچنین نتیجه بررسی چهار مؤلفه یادشده در بافت داستان‌ها، تحلیل و تعلیل می‌شود.

پیشینه پژوهش

نوشته‌های متعددی با رویکرد ساختارشناسانه در رابطه با داستان‌های قرآن کریم به رشته تحریر درآمده است.^۱ علاوه بر آن در برخی پژوهش‌ها روایت قرآنی یک داستان با روایت کتاب مقدس آن مقایسه شده است.^۲ در برخی پژوهش‌ها نیز روایت مکی و مدنی یک داستان مشخص از قرآن مقایسه شده است.^۳ بر اساس یافته‌های نگارنده تاکنون هیچ پژوهشی بر همه داستان‌های سوره‌های مدنی یا مکی متمرکز نبوده و در همه موارد، آنچه مطالعه و تحقیق شده، تنها یک داستان بوده است. با این اوصاف پژوهش حاضر از حیث جامعه آماری و گستره‌ی متن مطالعاتی با پژوهش‌های پیشین تفاوت دارد. ضمن آنکه الگوهای به کار گرفته شده در پژوهش‌های نام‌برده با یکدیگر و با پژوهش حاضر متفاوت است. مؤلفه‌های موردنظر این پژوهش از الگوی طراحی شده در رساله‌ای دکتری اقتباس شده (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: نبئی، ۱۴۰۰: صص ۷۲-۷۷) که در ادامه خواهد آمد.

انفال، آل عمران، احزاب، ممتحنه، نساء، زلزال، حدید، محمد، رعد، رحمان، انسان، طلاق، بینه، حشر، نصر، نور، حج، منافقون، مجادله، حجرات، تحریم، جمعه، تغابن، صف، فتح، مائده و توبه (السیوطی، ۱۳۶۷: ۴۲/۱-۴۳).

۱. امانی، رضا و دیگران (۱۳۹۳)، کارکردشناسی ساختار تکرار در تصویرپردازی‌های قرآن (مطالعه موردی داستان حضرت موسی)، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۱(۲)، صص ۹۹-۱۲۰.

طاهری‌نیا، علی باقر و مریم دریانورد (۱۳۹۳)، تحلیل ساختار عنصر گفتگو در داستان حضرت ابراهیم در قرآن کریم، پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، ۲، صص ۲۷-۵۲.

سلامت باویل، لطیفه (۱۳۹۶)، تحلیل ساختار روایت داستان یونی پیامبر در قرآن بر اساس نظریه ژرار ژنت، پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۲، صص ۴۹-۶۸.

۲. علیزاده منامن، عیسی و دیگران (۱۳۹۹)، بررسی ساختار داستان حضرت ابراهیم و لوط در قرآن کریم بر اساس الگوی سیمپسون، پژوهش‌های علم و دین، ۲۰، صص ۱۰۷-۱۲۸.

۳. نبئی، ساجده و دیگران (۱۴۰۱)، مقایسه تحلیلی داستان ابراهیم (ع) در سوره‌های مکی و مدنی، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۳(۶)، صص ۱۵۵-۱۷۵.

داستان‌های سوره‌های مدنی

قبل از هر چیز بایسته و ضروری است داستان‌های روایت‌شده در سوره‌های مدنی دسته‌بندی و با عنوان مشخصی ذکر شود. البته پیش‌ازاین تقسیم‌بندی، تقسیم‌بندی دیگری در این پژوهش انجام خواهد شد که معیار آن اشتراک داستان‌ها میان سوره‌های مکی و مدنی یا اختصاص آن‌ها به سوره‌های مدنی است. معیارهای مختلفی برای تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی داستان‌های قرآنی وجود دارد؛ از جمله رده‌بندی بر مبنای مضمون، شکل، سبک نقل، شیوه ارائه، شخصیت و غیره (برای مطالعه بیشتر ر.ک: معموری، ۳۹۲: ۵۴-۶۶). در این پژوهش، داستان‌های قرآنی بر اساس شخصیت اصلی داستان که حوادث و وقایع حول محور او شکل گرفته و در اصطلاح به آن شخصیت همه‌جانبه می‌گویند (همان، ۶۲)، تقسیم می‌شود. این شخصیت در بیشتر موارد، پیامبری است که به‌منظور هدایت قومش مبعوث شده و با انکار و تکذیب آنان مواجه می‌شود.

۱-۱. داستان‌های مشترک میان سوره‌های مکی و مدنی

ذیل این مقسم از داستان‌هایی یاد می‌شود که در دو نسخه مکی و مدنی روایت شده است.

داستان آدم (ع) و حوّا و پسران

داستان آفرینش آدم (ع) و همسرش حوّا و فرزندانشان در سوره‌های متعددی از قرآن مطرح شده است.

داستان ابراهیم (ع)

داستان ابراهیم (ع) از جمله داستان‌های چندنسخه‌ای قرآن است.

داستان موسی (ع) و قوم بنی‌اسرائیل

یکی از داستان‌های قرآن که حکایت آن در سوره‌های مختلف وجود دارد، داستان موسی (ع) و قوم بنی‌اسرائیل است.

داستان عیسی (ع) و مریم (س)

داستان عیسی (ع) و مریم (س) به گونه‌ای به هم پیوند خورده که نمی‌توان آن دو را از هم

تفکیک و هر کدام را مستقل از یکدیگر ذکر کرد. این داستان نیز از جمله داستان‌های قرآن است که در چند موضع ذکر شده است.

۲-۱. داستان‌های اختصاصی سوره‌های مدنی

این مقسم شامل داستان‌هایی از قرآن کریم است که روایتگری آن به سوره‌های مدنی اختصاص دارد.

۱-۲-۱. داستان طالوت و جالوت

داستان رویارویی طالوت و جالوت تنها یک مرتبه در قرآن و آن هم در سوره مدنی بقره طی آیات ۲۴۶-۲۵۱ نقل شده است.^۱

۲-۲-۱. داستان هاروت و ماروت

داستان هاروت و ماروت، آن دو فرشته‌ای که از طرف خداوند مأموریت داشتند نحوه ابطال سحر را به مردم بیاموزند، تنها یک مرتبه در قرآن ذکر شده است (البقره/۱۰۲).

۳-۲-۱. داستان عَزِیر نبی

داستان عَزِیر نبی از داستان‌هایی است که تنها یک مرتبه به آن اشاره (البقره/۲۵۹) و سپس در آیه ۳۰ سوره توبه در کنار مسیح (ع) به نام او به عنوان کسی که یهود او را پسر خدا خوانده‌اند، تصریح شده است.

۱. گرچه این داستان نیز مربوط به قوم بنی اسرائیل است، از آنجا که به تصریح قرآن پس از موسی (ع) (مِنْ بَعْدِ مُوسَى) و در زمان نبوت حضرت داوود (ع) به وقوع پیوسته، ذیل داستان موسی (ع) و بنی اسرائیل ذکر نشد. البته از آنجا که محوریت این داستان و شخصیت همه جانبه آن حضرت داوود (ع) نیست و او در انتهای داستان تنها به عنوان کسی که جالوت را به قتل می‌رساند به داستان وارد می‌شود و به سبب آن خداوند به او مُلک و حکمت عطا می‌کند، عنوان مستقّلی برای ایشان در نظر گرفته نشده است. ضمن آنکه ذکر داوود (ع) و داستان داوری او در سوره ص آیات ۱۷-۲۶ مطرح شده است. البته در آیه ۱۶۳ سوره نساء و آیه ۷۸ سوره مائده در کنار دیگر انبیای الهی نیز از او یاد شده است.

مؤلفه‌های ساختاری

حال که داستان‌های مدنی قرآن کریم و انواع آن از نظر گذشت، با استناد به چهار مؤلفه ذیل، ساختار روایات مدنی تحلیل و تعلیل خواهد شد.

۱-۲. نحوه پراکندگی

در واکاوی این مؤلفه مشخص می‌شود که فراوانی تکرار داستان‌ها در هر کدام از سوره‌های مدنی چگونه است؟ در کدام سوره بسامد بالایی دارد و در کدام سوره این فراوانی تکرار به حداقل یا صفر می‌رسد و چرا؟ یعنی؛ چه ارتباطی بین پایین بودن یا بالا بودن بسامد آن و محتوای سوره موردنظر وجود دارد؟

(الف) در ۱۹ سوره هیچ داستانی مطرح نشده است: انفال، احزاب، زلزال، قتال/محمد (ص)، رعد، رحمان، انسان، طلاق، بینه، حشر، نصر، نور، منافقون، مجادله، حجرات، جمعه، تغابن، فتح و توبه.

(ب) در ۵ سوره تنها اشاره‌ای کوتاه به سرانجام اقوام گذشته شده است تا عبرتی برای مؤمنان باشد: ممتحنه (۴)، حدید (۲۶، ۲۷)، حج (۲۶، ۴۴)، تحریم (۱۰-۱۲) و صف (۵، ۶، ۱۴).

(ج) در ۴ سوره چندین داستان مطرح شده است: بقره (داستان آدم (ع): ۳۰-۳۹؛ موسی (ع) و قوم بنی‌اسرائیل: ۴۰-۷۴؛ ابراهیم (ع): ۱۲۴-۱۲۹؛ طالت و جالوت: ۲۴۶-۲۵۱؛ هاروت و ماروت: ۱۰۲ و عزیر نبی: ۲۵۹)، آل عمران (داستان عمران (ع) و همسرش، مریم (س)، زکریا (ع)، یحیی (ع) و عیسی (ع): ۳۸-۵۹)، نساء (داستان موسی (ع) و قوم بنی‌اسرائیل: ۱۵۲-۱۶۳ و عیسی (ع): ۱۵۷-۱۵۸)، مائده (داستان موسی (ع): ۱۲-۱۳؛ پسران آدم (ع): ۲۷-۳۱؛ عیسی (ع) و حواریون: ۱۱۰-۱۱۸).

۴ سوره بقره، آل عمران، نساء و مائده از سوره‌های طولانی قرآن است. شاید روایت چندین داستان در سوره‌های یادشده با طول بلندشان ارتباط داشته باشد. البته فضای نزول و محوریت موضوعی سوره نیز تأثیر بسزا دارد. در رابطه با سوره بقره علامه طباطبایی معتقد

است غرض و محوریت این سوره بیان این موضوع است که مؤمن باید به کل آنچه خداوند نازل کرده ایمان بیاورد و مانند اهل کتاب میان ادیان و رسولان الهی مختلف فرق نگذارد (الطباطبایی، بی تا: ۴۳/۱). به همین دلیل و در راستای توسعه این غرض، سرگذشت امت‌های پیشین؛ به‌ویژه بنی اسرائیل روایت می‌شود تا اولاً، مسلمانان مخاطب قرآن از سرنوشت پیشینیان متنبه و متذکر شوند، ثانیاً، در خلال این روایات، اهل کتاب معاصر با پیامبر (ص) معرفی و خصوصیات ایشان شناسانده شود. از این رو ۳ داستان اختصاصی سوره‌های مدنی که روایت هر ۳ نیز در سوره بقره آمده، با بنی اسرائیل پیوند دارد. به‌عنوان نمونه، در داستان فرماندهی طالوت و رویارویی قوم بنی اسرائیل با لشکر جالوت، سست-عهدی بنی اسرائیل در جهاد و مبارزه با دشمن باوجود اصرارشان بر فرستادن پیامبری قدرتمند که رهبری آنان را در جنگ بر عهده گیرد، مشابه رفتار مؤمنان سست‌ایمان در جهاد با کفار است. از همین جا ضرورت یادآوری پیمان‌شکنی برخی از افراد قوم بنی اسرائیل مشخص می‌شود. داستان دو فرشته هاروت و ماروت نیز به هدف پاسخ به پرسش یهودیان و توصیف یهودیان عصر سلیمان (ع) بیان شده است. از آنجا که یهودیان، در مدینه با مسلمانان اختلاط بیشتری داشتند، آیات زیادی در شأن آنان و قوم بنی اسرائیل نازل شده است.^۱

سوره آل عمران نیز متعرض عواملی شده است که شوکت مسلمانان و هیمنه حکومت اسلامی را تقویت می‌کند و طبیعی است که متعرض حال دشمنان اسلام مانند یهودیان، مسیحیان و مشرکان شود و در رابطه با ایشان به مسلمانان هشدار دهد (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۹/۵). یکی از طرق شناساندن دشمنان، روایتگری پیشینه آنان و عملکردشان در رابطه با پیامبران الهی است. این سوره همچنان یادآور پیروزی مسلمانان در جنگ بدر شده تا قوت قلبی برای آنان در مواجهه با مشرکان باشد.

۱. یهودیان، قرن‌ها پیش از ظهور اسلام در جزیره العرب پراکنده بودند. مهم‌ترین مرکز تجمع این گروه، شهر یثرب یا همان مدینه‌النبی بود. یهودیان مدینه از سه قبیله بودند: بنی نضیر، بنی قینقاع و بنی قریظه که به مشاغلی همچون آهنگری، زرگری و ساخت اسلحه مشهور بودند (امین، ۲۰۱۲: ۳۱-۳۲). مسیحیان در مدینه سکونت نداشتند؛ بلکه در شهر نجران متراکم بودند و تجارت می‌کردند (همان، ۳۳).

سوره مائده نیز مانند سوره‌های طولانی پیش از خود مشتمل بر موضوع‌های متنوع و پراکنده‌ای است که یک هدف اصیل، آن را به یکدیگر ارتباط می‌دهد و آن‌هم رشد امت و برپایی حکومت و تنظیم مجتمع انسانی بر اساس الوهیت، ربوبیت و حکومت خداوند است. این مهم حاصل نمی‌شود؛ مگر با پاک‌سازی جامعه مسلمانان از شرک و بت‌پرستی و انحرافات اهل کتاب و تحریفات آن‌ها (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲/۸۲۵)؛ بنابراین روایت گذشته اهل کتاب که یکی از دشمنان اصلی مسلمانان بودند و همچنین ذکر پیمان‌شکنی و کارشکنی ایشان در مواضع مختلفی از قرآن به‌منظور هشدار، ضروری و بایسته بود.

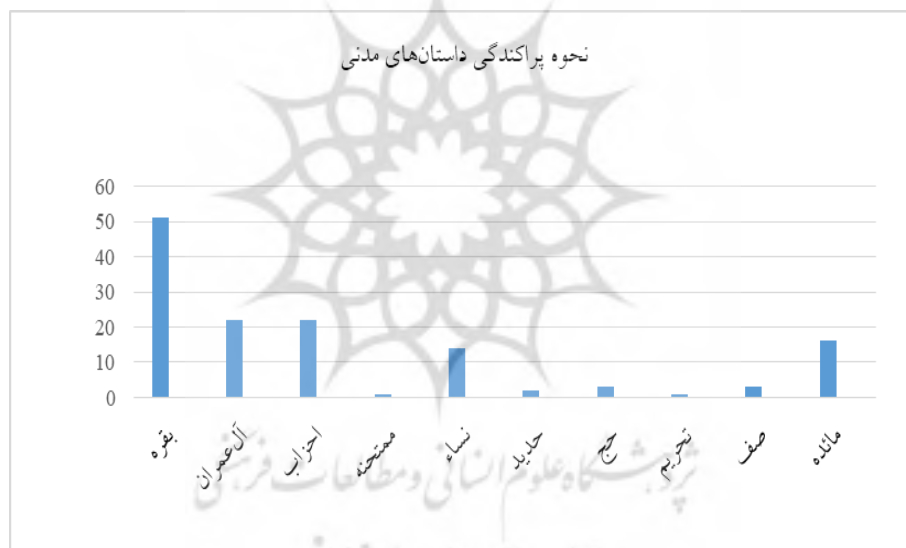
محور و غرض اصلی سوره نساء توجه دادن مردم به ربوبیت و وحدانیت خداوند با تشریع احکام خانوادگی و فردی است (سید قطب، ۱۴۱۲: ۵۷۳/۱)، به تناسب سخن و همسو با فضای نزول که اهل کتاب از پیامبر (ص) خواستند تا کتابی از آسمان برایشان نازل کند، گریزی به بهانه‌جویی‌ها و پیمان‌شکنی‌های قوم بنی‌اسرائیل می‌زند که از موسی (ع) بزرگ‌تر از آن را درخواست کردند؛ زیرا از او خواستند که خدا را آشکارا به ایشان نشان دهد (النساء/۱۵۳-۱۵۵) و این درخواست با وحدانیت خداوند و عدم مشابهت او به مخلوقاتش، در تنافی است. در ادامه نیز به بهتان ایشان نسبت به مریم (س) و عیسی (ع) اشاره می‌کند (النساء/۱۵۶-۱۵۸)؛ بنابراین ذکر داستان‌های مربوط به قوم بنی‌اسرائیل و پیامبرانشان و داستان تولد و عروج عیسی (ع) در جهت معرفی اهل کتاب به‌ویژه یهودیان ساکن مدینه و همچنین تخطئه باورهای غلط آنان است. ضمن آنکه ۳ سوره بقره، آل عمران و نساء بر اساس نقل‌های معتبر در سال‌های ابتدایی هجرت نازل شده است (السیوطی، ۱۳۶۷: ۴۳/۱) و هنوز اندکی صبغه محتوایی سوره‌های مکی را _ مثل روایتگری داستان‌های انبیا و اقوام گذشته _ داراست؛ بنابراین هر چه به انتهای دوران مدینه نزدیک می‌شویم، روایت داستان‌های پیشینیان که ذکر آن در کتاب مقدس نیز آمده^۱، رنگ می‌بازد.

۱. مثل داستان آدم (ع)، حوا و فرزندان، نوح (ع)، ابراهیم (ع) و فرزندان، یعقوب (ع) و یوسف (ع) که جملگی در سفر تکوین از عهد عتیق روایت شده‌اند (ر.ک: کتاب مقدس، ۱۳۷۹: کتب العهد العتیق، سفر تکوین/۲-۱۰۲) یا داستان موسی (ع) و قوم بنی‌اسرائیل که در سفر خروج، لویان، اعداد و توریة متنی از عهد عتیق آمده است (ر.ک: همان جا، سفر خروج، لویان، اعداد و توریة متنی/۱۰۲-۴۰۰).

به عنوان مثال، در سوره های جمعه، تغابن، فتح و توبه که بر اساس روایات ترتیب نزول از آخرین سوره های نازل شده بر پیامبر (ص) است (همان جا)، اثری از داستان انبیا و اقوام گذشته نیست.

در مجموع می توان گفت نحوه پراکندگی داستان ها در قرآن نشان آن است که قرآن کتاب قصه نیست؛ زیرا اگر این گونه بود می بایست تمام پیرفت های یک داستان، در یک سوره متمرکز باشد. حال آنکه در میان داستان های قرآنی تنها داستان یوسف (ع) است که به طور کامل و متمرکز در یک سوره (سوره یوسف) ذکر شده است.

نمودار ۱ نحوه پراکندگی عنصر محتوایی روایت داستان را در مجموع سوره های مدنی نشان می دهد.



نمودار ۱. نحوه پراکندگی داستان های مدنی

۲-۲. ساخت نحوی

واکاوی ساخت نحوی در خصوص روایتگری داستان ها، بررسی زاویه دید و چگونگی آغاز جمله را شامل می شود. یکی از مباحث مطرح شده در بررسی داستان ها، زاویه نگرش

راوی به داستان است که در مورد داستان‌های قرآنی نیز صدق می‌کند. «زاویه» در لغت به معنای کُنْج و گوشه، گوشه چشم (دهخدا، ذیل حرف «ز») یا محل نگرستن است (الفراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۹۶/۷) و در اصطلاح به موقعیتی گفته می‌شود که راوی داستان نسبت به آن اتخاذ می‌کند و دریچه‌ای است که پیش روی خواننده می‌گذارد تا خواننده از آن موضع داستان را بخواند (داد، ۱۳۷۸: ۲۵۹). در داستان‌های قرآنی زاویه دید هم بیرونی و هم درونی است. راوی در زاویه دید بیرونی داستان را از خارج روایت می‌کند. در قرآن راوی، از زاویه دید دانای کل به روایت داستان می‌پردازد، یعنی؛ همچون فکری برتر از خارج شخصیت‌های داستان را رهبری می‌کند، از نزدیک شاهد اعمال و رفتار آنهاست و از گذشته و حال و آینده آنها باخبر است (همان‌جا). در داستان‌های قرآنی خداوند همان دانای کلی است که در بطن وقایع حضور داشته و علم و بصیرتش پرده‌های غیب را درنور دیده و به درون افراد نفوذ کرده و از نیات آنها آگاه است؛ بنابراین وقایع را با علم مطلق خود روایت می‌کند. گاه نیز از زاویه دید راوی بیرونی، عمل و کلام خودش را به- عنوان یکی از شخصیت‌های داستان گزارش می‌کند: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (البقره/۳۰). البته در برخی از موارد نیز داستان را به شیوه «من روایت» نقل می‌کند، یعنی؛ از ناحیه یکی از شخصیت‌های درون داستان. به این زاویه دید، زاویه دید درونی می‌گویند (داد، ۱۳۷۸: ۲۶۰). مثال: «وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ» (البقره/۴۹). در این آیه خداوند به‌عنوان یکی از کنشگرهای داستان با نجات بنی‌اسرائیل از چنگال فرعونیان در شکل دهی و پیشبرد داستان نقش ایفا می‌کند و درعین حال شرح ماوقع را نیز روایت می‌کند. البته خداوند در رابطه با خودش و به‌منظور نمایش قدرت خویش به‌جای ضمیر متکلم وحده (ی) از ضمیر متکلم مع‌الغیر (نا) استفاده می‌کند. داستان‌هایی نیز در سوره‌های مدنی مشاهده می‌شود که در آن تغییر ضمیر یا تبدیل ضمیر به اسم رخ می‌دهد. نمونه آن آیات ۱۵۳-۱۶۱ سوره نساء که ابتدا خداوند از زاویه

دید درونی و با ضمیر متکلم مع‌الغیر داستان را روایت می‌کند: «وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْأَبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» و کمی جلوتر به عنوان یکی از شخصیت‌های داستان و با نام، از خود یاد می‌کند: «بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ» و در پایان داستان بار دیگر ضمیر از غایب به متکلم تغییر می‌کند: «وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا». یکی از پژوهشگران معتقد است با توجه به وجه نمایشی روایات قرآن، داستان‌ها از زاویه سوم شخص عینی یا نمایشی روایت شده است که دو عنصر جایگزینی ضمیر به جای اسم و نقل قول مستقیم به جای غیرمستقیم، آن را از زاویه دانای کل متمایز می‌کند (صالحی نیا، ۱۳۹۴: ۳۰۵-۳۰۶). البته اینکه خداوند گاه به صیغه اول شخص و گاه به صیغه سوم شخص از خود سخن بگوید، نوعی از صنعت التفات است. برخی علت تغییر ضمیر درباره خداوند را از سوم شخص به اول شخص، نمایش قدرت خدا می‌دانند؛ زیرا ضمیر اول شخص از سوم شخص قوی‌تر است و قدرتش با ضمیر متکلم مع‌الغیر مضاعف می‌شود (عبدالحلیم، ۱۳۹۱: ۶۳). به علاوه شایستگی ذات حق در اطاعت به وسیله این نوع از التفات آشکارتر می‌شود (ابن عاشور، بی تا: ۱۳۳/۱۶). برخی نیز التفات از ضمیر اول شخص به سوم شخص را در مورد خداوند به پیام توحیدی قرآن مربوط می‌دانند؛ زیرا ضمیر مفرد غایب چندخدایی را نفی و به تک‌خدایی رهنمون می‌شود (عبدالحلیم، ۱۳۹۱: ۶۵).

یکی دیگر از ویژگی‌های نحوی قصه‌های سوره‌های مدنی این است که در بیشتر موارد با ظرف زمان «إِذْ» آغاز می‌شود. «إِذْ» ظرف زمان گذشته و در محل نصب است؛ زیرا مفعول به برای فعل مَقْدَر «أَذْكَرُ» است (الدرویش، ۱۴۱۵: ۷۶/۱) و مقصود از آغاز شدن داستان‌ها با ظرف زمان «إِذْ»، تفهیم این مفهوم است که داستان در آن زمان اتفاق افتاده و تخصیص اسم زمان به جای اسم مکان از این جهت است که مردم اسناد حوادث تاریخی را به زمان وقوع آن بشناسند (ابن عاشور، بی تا: ۳۸۳/۱).^۱ به نظر می‌رسد «إِذْ» نه تنها مرز بین

۱. البته واژه «إِذْ» همیشه مفعول به برای فعل محذوف «أَذْكَرُ» نیست. برای مثال در آیه ۲۷ سوره مائده این واژه مفعول فیه برای کلمه «نَبَأًا» است: «وَأَتْلَوْا عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبْنَا قُلُوبَنَا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ

داستان‌هاست؛ بلکه در جریان روایتگری یک داستان نیز به‌منظور نشان دادن تغییر صحنه از آن استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال در آیات ۴۹-۷۴ سوره بقره قسمتی از داستان موسی (ع) و قوم بنی اسرائیل مطرح شده است. در این آیات از واژه «إِذْ» ۱۲ مرتبه همراه با تغییر صحنه، استفاده شده است. مثال دیگر آیات ۱۲۴-۱۳۲ از همین سوره است که در آن به قسمتی از داستان ابراهیم (ع) اشاره شده است. واژه «إِذْ» در این آیات ۵ مرتبه و به‌مجرد تغییر فضای داستان به کار رفته است.

۳-۲. بسامد و ساخت واژگان

ذیل این مؤلفه واژگان پر تکرار و واژگان اختصاصیِ عنصر محتوایی روایتگری داستان رصد می‌شود. سپس فراوانی تکرار، معنای لغوی و اصطلاحی آن و همچنین علت کاربست انحصاری یا بسامد بالای آن در بافت داستان‌های سوره‌های مدنی واکاوی می‌شود. البته در میان این واژگان، الفاظ و واژگان تکامد^۱ در کل قرآن نیز یافت می‌شود. نظام ارائه این واژگان نظامی الفبایی و بر اساس ریشه اشتقاقی آن است که در ادامه خواهد آمد.

إِذْ: واژه «إِذْ» که ذیل عنوان ساخت نحوی از آن سخن به میان آمد، در کل سوره‌های مدنی ۱۰۱ مرتبه تکرار شده^۲ که ۵۲ تکرار آن در بافت محتوایی داستان گذشتگان (البقره/۳۰، ۳۴، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۷، ۷۲، ۸۳، ۸۴، ۹۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۳ (۲ مرتبه)، ۲۴۶، ۲۵۸، ۲۶۰؛ آل عمران/۸، ۳۵، ۴۲، ۴۴ (۲)

لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (ابن عاشور، بی تا: ۸۱/۵). یا در آیه ۲۴۶ بقره «إِذْ» متعلق به واژه محذوف «قَصَّهُ» است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلِكِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَغْدٍ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و تقدیر کلام این چنین است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى قِصَّةِ الْمَلَأِ...» (الدرویش، ۱۴۱۵: ۳۶۴/۱).

1. hapax legomenon.

این واژه به کلمه‌ای اطلاق می‌شود که تنها یک بار در سراسر یک متن به کار رفته است؛ بنابراین به واژه‌ای که تنها یک بار در متن قرآن به کار رفته باشد و هیچ مشتق یا هم‌خانواده‌ای از آن در سراسر متن قرآن نباشد، «تکامد قرآنی» می‌گویند (کریمی‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۴۷).

۲. این واژه در کل قرآن ۲۳۷ مرتبه تکرار شده است.

مرتبه)، ۴۵، ۵۵، ۱۸۷، الممتحنه/۴؛ الحج/۲۶؛ التحريم/۱۱، الصف/۵، المائده/۲۰ (۲ مرتبه)، ۲۷، ۱۱۰ (۷ مرتبه)، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۶ و ۴۹ مورد آن در موضوع‌های دیگر به کار رفته است (البقره/۱۶۵، ۱۶۶؛ الانفال/۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۲۶، ۳۰، ۳۲، ۴۲، ۴۳، ۴۴ (۲ مرتبه)، ۴۸، ۴۹، ۵۰؛ آل عمران/۸۰، ۸۱، ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۴؛ الاحزاب/۷، ۹، ۱۰ (۲ مرتبه)، ۱۲، ۱۳، ۳۷؛ النساء/۶۴، ۷۲، ۱۰۸؛ الحشر/۱۶؛ النور/۱۲، ۱۵، ۱۶؛ التحريم/۳؛ الفتح/۱۸، ۲۶؛ المائده/۷، ۱۱؛ التوبه/۲۵، ۴۰، ۱۱۵ (۳ مرتبه))؛ بنابراین نحوه پراکندگی این واژه در سوره‌های مدنی به گونه‌ای است که در عنصر داستان، تراکم بالایی دارد (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: عنوان ساخت نحوی از همین نوشتار).

بصل: واژه «بَصَلَ» از جمله واژه‌های تکامد قرآن است. معنای این واژه، به پیاز معروف است. به گلوله آهنی نیز به دلیل شباهت به پیاز «بَصَلَ» می‌گویند (الفراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۲۹/۷؛ الرّاعب، ۱۳۶۲: ۱۲۸). این واژه که در روایت داستان موسی (ع) و قوم بنی اسرائیل به کار رفته (البقره/۶۱)، به کفران نعمت و عصیان بنی اسرائیل اشاره دارد؛ زیرا بر منّ وسلوی از آن جهت که طعام هر روز ایشان بود، صبر نکردند و از موسی (ع) طعامی پست‌تر را طلب کردند که متعدّد و متنوّع باشد، مثل پیاز، عدس، سیر، خیار و سبزیجات (الطبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵۶/۱).

بقل: از این ریشه تنها واژه «بَقَلَ» در کل قرآن مشتق شده، بنابراین از واژگان تکامد است. اصل آن به معنای ظهور و بروز است؛ بنابراین وقتی می‌گویند «بَقَلَ الشَّيْءُ» یعنی؛ آن چیز ظاهر شد. از این رو به رویدانی‌هایی که از زمین می‌روید و محصول درخت نیست، «بَقَلَ» می‌گویند (ابن منظور، ۱۴۱۳: ۶۰/۱۱). همچنین ریشه و ساقه‌اش در زمستان نمی‌روید و رشد نمی‌کند (الرّاعب، ۱۳۶۲: ۱۳۸)؛ بنابراین معنای دقیق واژه، سبزیجات است (المصطفوی، ۱۳۲۰: ۳۴۱/۱). این واژه نیز مانند واژه پیشین در داستان موسی (ع) و بهانه‌جویی‌های قوم بنی اسرائیل به کار رفته است (البقره/۶۱).

تیه: از ریشه «تیه» تنها فعل مضارع «يَتِيهون» که از الفاظ تکامد قرآن است، به کار رفته (المائده/۲۶). «تیه» به معنای تکبر است (ابن منظور، ۱۴۱۳: ۴۸۲/۱۳). این واژه یک اصل

دارد و آن حیرت و سرگردانی در مسیر هدایت است و تکبر نوعی از تحیر است؛ زیرا انسان متکبر از خودش چیزی را اظهار می‌کند که حقیقتش را نمی‌داند، حتی حقیقت نفس خویش و منشأ و مرجع آن را هم نمی‌داند و به آن توجه نمی‌کند؛ بنابراین از وظیفه خویش غافل است (المصطفوی، ۱۳۲۰: ۴۳۹/۱-۴۴۰). واژه «یتیهون» در رابطه با قوم بنی اسرائیل به کار رفته است. آن زمان که با فرمان موسی (ع) برای ورود به سرزمین مقدس مخالفت کردند، موسی (ع) از خدا خواست که با حکم خویش میان او و قومش فاصله بیندازد. خداوند درخواست موسی (ع) را اجابت و سرزمین مقدس را بر ایشان حرام کرد. به گونه‌ای که به مدت چهل سال در مسافتی میان خودشان و سرزمین مقدس حیران و سرگردان بودند و نمی‌توانستند از آن خارج شوند (الطبرسی، ۱۳۷۲: ۲۸۰-۲۸۱).

ذخر: فعل مضارع «تَدْخِرُونَ» از این ریشه مشتق شده که در سراسر قرآن تنها یک مرتبه به کار رفته، بنابراین تکامد است (آل عمران/۴۹). ریشه «ذخر» به معنای آن است که چیزی را ذخیره و پس انداز کنی (ابن فارس، ۱۴۲۰: ۳۷۰/۲).^۱ فعل «تَدْخِرُونَ» در سیاق داستان عیسی (ع) و مادرش به کار رفته و به پنجمین معجزه عیسی (ع) که همان اخبار از غیب است، اشاره دارد (وَأُتِیْتُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ)، یعنی؛ شما را از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید، خبر می‌دهم. وجه اعجاز آن این است که خبر دادن عیسی (ع) از غیب بدون استعانت از ابزار بوده است؛ نه مانند ستاره‌شناسان و کاهنان با کمک از ابزار و احوال ستارگان (الفخر الرازی، ۱۴۲۰: ۲۲۹/۸).

سنه: فعل مضارع «يَتَسَنَّهُ» تنها واژه از ریشه «سنه» است که در قرآن به کار رفته است (تکامد). این واژه یک اصل دارد که به معنای زمان است. واژه «سَنَّة» نیز به معنای سال معروف است. فعل مضارع «لَمْ يَتَسَنَّهُ» در آیه (فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهُ)، یعنی؛ زمانی بر آن نگذشته تا مختصاتش تغییر کند (ابن فارس، ۱۴۲۰: ۱۰۳/۳). این واژه در

۱. این اصل وقتی به باب افعال می‌رود (اذتخار)، «تاء» باب افعال در کنار «ذال» سنگینی می‌کند و به «ذال» تبدیل و با «ذال» اصلی ادغام و مشدد می‌شود (اذْخار). فعل «تَدْخِرُونَ» در اصل «تَدْخِرُونَ» بوده است؛ اما به منظور سهولت در تلفظ، حرف «ذال» به «دال» تبدیل و در «تاء» افعال ادغام شده است (ابن منظور، ۱۴۱۳: ۳۰۲/۴).

داستان آن پیامبری به کاررفته که خدا او را صدسال میراند، سپس او را زنده کرد و مشاهده کرد که طعام و نوشیدنی‌اش تغییر نکرده است (البقره/۲۵۹). در روایتی از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده این پیامبر، عزیر بود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲۶۹/۱).

عدس: واژه «عدس» که در سوره بقره به کاررفته، از واژگان تکامد قرآن است (البقره/۶۱). «عدس» دانه‌ی خوراکی معروف است (الرّاعب، ۱۳۶۲: ۵۵۱). این واژه نیز در داستان بهانه‌جویی‌های بنی اسرائیل نسبت به موسی (ع) به کار رفته است.

ققع: از ریشه «ققع» تنها واژه «فاقع» مشتق شده است (البقره/۶۹). این واژه یک اصل دارد که آن خلوص و صفا از ناخالصی و چندرنگی است؛ و یکی از مصادیق آن خلوص رنگ‌ها از اختلاط با رنگ دیگر است (المصطفوی، ۱۳۲۰: ۱۳۳/۹). واژه «فاقع» در داستان گاو بنی اسرائیل به کاررفته و صفت برای موصوف «صفراء» واقع شده است (إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ). ترکیب «صفراء فاقع» صفتی برای واژه «بقره» است و به رنگ گاوی که بنی اسرائیل در جستجوی آن بودند، اشاره دارد و آن رنگ، رنگ زرد شدید است که زردی آن با واژه «فاقع» تشدید شده است؛ زیرا غالباً زردی گاو به قرمزی نزدیک می‌شود (ابن عاشور، بی تا: ۵۳۵/۱).

فوم: این واژه در سوره بقره به کاررفته و از واژگان تکامد است (البقره/۶۱). برخی گویند واژه «فوم» به معنای گندم است (الفراهیدی، ۱۴۱۰: ۴۰۵/۸) و برخی آن را به معنای سیر می‌دانند (الجوهری، ۱۴۰۷: ۲۰۴/۵). مصطفوی معتقد است واژه «فوم» از زبان عبری گرفته شده و اصل آن شوم است که «شین» به «ثاء» تبدیل شده است؛ بنابراین هر سه واژه «فوم»، «ثوم» و «شوم» به یک معنا و به معنای سیر است. معنای گندم برای این واژه، معنایی مجازی است (المصطفوی، ۱۳۲۰: ۱۷۸/۹). این واژه نیز در فضای روایتگری داستان بنی اسرائیل و درخواست ایشان از موسی (ع) به منظور تغییر و جایگزینی طعام به کار رفته است.

قثء: واژه «قثاء» که در سوره بقره به کاررفته، از واژگان تکامد قرآن است (البقره/۶۱). این واژه معنای معروفی دارد که همان خیار است (الفراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۰۳/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۳:

(۱۲۸/۱) و زمینه آن، داستان قوم بنی اسرائیل و درخواست این خوراکی از موسی (ع) است. **وشی:** این ریشه تنها یک مرتبه در قالب واژه «شیء» به کار رفته و از واژگان تکامد است (البقره/۷۱). واژه «شیء»، یعنی؛ نقطه‌ای سفیدرنگ در سیاهی یا نقطه‌ای سیاه‌رنگ در سفیدی (الفراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۹۸/۶). سپس به هر رنگی در حیوان نیز که با رنگ زمینه‌ای آن مخالف باشد، «شیء» گفته‌اند (الجوهری، ۱۴۰۷: ۲۵۲۴/۶). عبارت «لا شیء» به یکی از اوصاف گاو بنی اسرائیل اشاره دارد (قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِئَءَ فِيهَا)، یعنی؛ در رنگ پوست گاو موردنظر ناخالصی وجود ندارد و رنگی به‌غیر از رنگ زمینه‌ای‌اش در آن به کار نیامده است (الطبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۵/۱).

هبوط: تصریفات مصدر «هَبُوط» (فعل امر إهبطوا و فعل مضارع يهبط) که از ریشه «هبط» مشتق شده، در سوره‌های مدنی ۴ مرتبه به کار رفته^۱ که تمامی موارد کاربرد آن در عنصر روایتگری داستان است؛ ۲ مورد از کاربرد آن در داستان آدم (ع) و همسرش است (البقره/۳۶، ۳۸) و ۲ مورد دیگر به داستان موسی (ع) و قوم بنی اسرائیل مربوط می‌شود (البقره/۶۱، ۷۴). «هَبُوط» نقیض صعود و به معنای از بالا به پایین آمدن و نزول است (ابن منظور، ۱۴۱۳: ۴۲۱/۷). این مصدر وقتی در رابطه با انسان به کار رود، به منظور تحقیر و تخفیف است؛ برخلاف إنزال؛ زیرا خداوند این مصدر را برای چیزهای شریف و با ارزش مثل فرشتگان، قرآن و باران به کار برده است. درحالی که «هَبُوط» بر کاهش دادن و افتادن دلالت می‌کند و تعظیم و تشریف در آن مستتر نیست (الراغب، ۱۳۶۲: ۸۳۲)؛ بنابراین هبوط آدم (ع) و همسرش به زمین و هبوط بنی اسرائیل به مصر، از مکانی برتر به مکانی پست‌تر و همراه با استخفاف بوده است. البته این گونه نیست که همه موارد کاربرد این مصدر در قرآن برای انسان، بر قهر و استخفاف دلالت داشته باشد. برای مثال، در آیه ۴۸ سوره هود، خداوند خطاب به نوح (ع) می‌فرماید: «از کشتی با سلامت و برکت به‌سوی زمین پایین بیا و بر روی آن مستقر

۱. از ریشه «هبط» در کلّ قرآن ۸ فعل مشتق شده است.

شو^۱ و از این مثال، معنای تحقیر کردن و خفیف شمردن استنباط نمی‌شود (المصطفوی، ۱۳۲۰: ۲۵۷/۱۱). توجه به این نکته نیز ضروری است که این مصدر در قرآن تنها برای انسان به کار نرفته؛ بلکه در آیه ۷۴ سوره بقره به سنگ نیز نسبت داده شده است^۲. «هبوط» سنگ به معنای شکافته شدن صخره‌های کوه و پایین آمدن این قطعات شکافته شده در اثر زلزله و انبساط و انقباض کوه‌ها در فصل تابستان و زمستان است (الطباطبایی، بی تا: ۲۰۳/۱). در آیه ۱۳ سوره اعراف نیز سخن از هبوط شیطان است^۳.

از میان ۱۲ واژه نام‌برده، ۹ واژه در سیاق داستان‌های مربوط به بنی اسرائیل به کار رفته است. این فراوانی، نمودار غلبه داستان‌های مربوط به بنی اسرائیل بر سایر داستان‌های سوره‌های مدنی است. بسامد بالای داستان‌های بنی اسرائیل نیز از ارتباط میان انتخاب داستان‌ها با فضای نزول آیات، زمینه سخن و نیاز مخاطب خبر می‌دهد.

۲-۴. خطاب

یکی از مؤلفه‌های مهم و مؤثر در برقراری ارتباط، شناخت مخاطب و ایراد سخن به تناسب حال اوست. لحاظ شرایط مخاطب در قرآن در بالاترین درجه خود قرار دارد؛ زیرا متکلم آن خداوند عالم و حکیم است که به اقتضای علم و حکمت خود در بیان مفاهیم و موضوع‌های مختلف، مخاطب خاص خود را برگزیده است. تمرکز و توجه به خطاب به کاررفته در آیات می‌تواند یکی از مؤلفه‌هایی باشد که مرز بین عناصر محتوایی را مشخص می‌کند؛ زیرا در برخی موارد به مجرد تغییر محتوا، خطاب آیات نیز تغییر می‌کند. به همین دلیل بسامد بالای مخاطبی خاص نشان از اهمیت و تأکید بر آن مخاطب است و فضای نزول آیات را رهنمون می‌شود. به منظور تعیین مخاطب

۱. قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَأَمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ.
۲. ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ.
۳. قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ.

کلام، ابتدا خطاب‌های خاص مدنظر قرار می‌گیرد و در صورت فقدان خطاب خاص، مخاطب کلام با توجه به قرائن و شواهد مشخص می‌شود.

به نظر می‌رسد مخاطب داستان‌های سوره‌های مدنی به قرینه سه آیه ذیل، حضرت رسول (ص) است:

«تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» (البقره/۲۵۲).
«ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَفْلاَمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرِيماً وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ» (آل عمران/۴۴).

«وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ» (النساء/۱۶۴).
علّت مخاطب قرار گرفتن حضرت رسول (ص) در داستان‌ها به ویژه آن مواضعی که با عبارت «وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ» بر عدم حضور فیزیکی ایشان در آن وقایع و جریان‌ها تأکید شده، یکی از وجوه اعجاز قرآن است؛ زیرا چنانچه انسان در جریان حادثه‌ای غایب باشد، می‌تواند آن حادثه را از طریق خواندن کتاب، آموزش شفاهی یا وحی درک کند و در جریان آن قرار بگیرد؛ اما حضرت رسول (ص) با وجود آنکه آن وقایع را از نزدیک مشاهده نکرده بود و حتی از طریق تعالیم اهل کتاب نیز آن‌ها را فرا نگرفته بود، به آن حوادث و داستان‌ها از طریق وحی الهی و اخبار غیب علم پیدا کرده بود (الطبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۷/۲)، به گونه‌ای که گویا خود در آن حوادث حضور داشته است (ابن عاشور، بی‌تا: ۹۶/۳). البته ناگفته نماند که ۲ موضع که هر ۲ نیز در سوره بقره آمده، بنی اسرائیل مخاطب بیان داستان موسی (ع) قرار می‌گیرند:

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (البقره/۴۷).

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُون» (البقره/۴۰).

علّت اختصاص خطاب به بنی اسرائیل در این آیات، موضوع داستان است که حول محور عملکرد قوم بنی اسرائیل در رابطه با موسی (ع) می‌چرخد. خداوند در این آیات

ابتدا متذکر نعمت‌هایی می‌شود که به قوم بنی اسرائیل ارزانی داشته و سپس به ناسپاسی و بهانه‌جویی‌های ایشان که موجب عذابشان شد، اشاره می‌کند تا مخاطب از سرگذشت پیشینیان خود عبرت بگیرد و از اعمال سوء ایشان برحذر باشد (البقره/۴۰-۷۴). در مورد داستان‌ها نیز می‌توان اصل عمومیت خطابِ کلام الهی را صادق دانست (هُدٰی للنَّاس). به همین دلیل گرچه در بعضی مواضع با تأکید بر یک مخاطب خاص، بیان داستان متوجّه فرد یا گروه خاصی است، عموم مردم می‌توانند مخاطب داستان‌ها باشند و از پیام اعتقادی و اخلاقی آن بهره گیرند.

نتیجه‌گیری

در پژوهشی که گذشت با استناد به چهار مؤلفه‌ی نحوه پراکندگی، ساخت و بسامد واژگان، ساخت نحوی و مخاطب، ساختار سوره‌های مدنی قرآن کریم تحلیل و تعلیل شد. نحوه پراکندگی داستان‌های مدنی نشان می‌دهد که دُنب قرآن در روایتگری داستان، پراکنده‌گویی است، یعنی؛ به تناسب زمینه سخن و حال مخاطب هر جا که به یادآوری سرنوشت اقوام پیشین نیاز باشد، به‌منظور گرفتن عبرت، گریزی به عاقبت امت‌های گذشته می‌زند؛ بنابراین با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی مدینه و حضور چشمگیر اهل کتاب در این شهر داستان‌های مربوط به اهل کتاب به ویژه پیمان‌شکنی بنی اسرائیل بسامد بالایی دارد. این داستان‌ها باهدف شناساندن خصوصیات اهل کتاب به عنوان یکی از دشمنان مسلمانان و همچنین برحذر داشتن مخاطبان قرآن از مشابهت و مشاکلت با ایشان، روایت شده است. البته می‌توان یکی از اهداف آن را هدایت خود اهل کتاب دانست؛ زیرا ایشان نیز مخاطب آیات قرآن بوده‌اند. واکاوی واژگانی، از کاربست واژگانی اختصاصی و تکامد حکایت می‌کند که بیشتر آن‌ها در سیاق روایات مربوط به بنی اسرائیل مشاهده می‌شود. زاویه دید که ذیل واکاوی ساخت نحوی بدان پرداخته شد، از روایتگری خداوند حکایت دارد که گاهی «دانای کل» است که همچون فکری برتر از بیرون داستان آن را روایت می‌کند و گاهی «منِ روایت» است که به عنوان یکی از کنشگرهای داستان به روایت آن می‌پردازد. در بررسی مخاطب

تحلیل ساختار روایت در سوره‌های مدنی قرآن کریم؛ جلالی کندری و همکاران | ۷۷

داستان‌ها نکته قابل توجه، خطاب اختصاصی «بنی اسرائیل» است که با فضای نزول آیات و حضور اهل کتاب و سابقه نقض پیمان ایشان پیوند می‌یابد، گرچه خطاب عمومی داستان‌ها به قوت خویش باقی است. درمجموع می‌توان گفت انتخاب داستان‌ها و پیرفت‌هایی از آن کاملاً متأثر از فضای نزول و نیاز مخاطب است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Soheila Jalali Kondori

Nosrat Nilsaz

Sajedah Nabizadeh



<http://orcid.org/0000-0001-7138-3676>



<http://orcid.org/0000-0002-8580-5574>



<http://orcid.org/0009-0004-9964-9068>



منابع

قرآن کریم

- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). التحرير و التنوير، بيروت: موسسه التاريخ.
- ابن فارس، احمد (۱۴۲۰)، مقاييس اللغة، بيروت: انتشارات دار الكتب الميمه.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۳). لسان العرب، چاپ دار احياء التراث العربی.
- الجوهري الفارابی، ابونصر اسماعيل بن حمّاد (۱۴۰۷)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربيه (عطار احمد عبدالغفور، محقق)، بيروت: دارالعلم للملایین.
- امین، احمد (۲۰۱۲). فجر الاسلام، قاهره: مؤسسه الهنداوی للتعليم و الثقاؤه.
- داد، سیما (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات ادبی، انتشارات مروارید.
- الدرویش، محیی الدین (۱۴۱۵). اعراب القرآن و بیانه، سوریه: دارالارشاد.
- الراغب الاصفهانی (۱۳۶۲). مفردات فی الفاظ الغریب القرآن، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- سید قطب شاذلی، ابراهیم (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن، بیروت-قاهره: دارالشرق.
- السیوطی، جلال الدین (۱۳۶۷). الاتقان فی علوم القرآن (محمد ابوالفضل ابراهیم، محقق)، منشورات الرضی-بیدار.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنّه، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- صالحی نیا، مریم (۱۳۹۴)، قدسیت و ساختار، تهران، نگاه معاصر.
- الطباطبایی، سید محمد حسین (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
- الطبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- الطوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عبدالحلیم، محمد. آس (۱۳۹۱). «کاربردها و کارکردهای شگفت التفات در قرآن»، پژوهش های قرآنی، ۱۳۹۱ ش، ۱۸ (۲)، صص ۵۴-۸۱.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵)، تفسیر نورالثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین، قم: هجرت.

تحلیل ساختار روایت در سوره‌های مدنی قرآن کریم؛ جلالی کندری و همکاران | ۷۹

الفخر الرازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

کتاب مقدس (۱۳۷۹). *کتب العهد العتیق* (فاضل خان همدانی و ویلیم گلن مترجم)، تهران: اساطیر.

کرمی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۳). «تکامد در قرآن، تحلیلی بر واژه‌ها و ترکیبات تک کاربرد در قرآن کریم»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۴۷(۲)، صص ۲۴۷-۲۸۴.

المصطفوی، حسن (۱۳۲۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر تهران.

معرفت، محمدهادی (بی‌تا)، *التمهید فی علوم القرآن*، ناشر مؤسسه النشر الاسلامی.

معموری، علی (۱۳۹۲). *تحلیل ساختار روایت در قرآن*، تهران: نگاه معاصر.

نبئی، ساجده (۱۴۰۰). *ساخت صوری و محتوایی سوره‌های مدنی؛ ارائه الگو و کاربری آن*، پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشگاه الزهراء (س).

References

The Holy Quran

Al-Jawhari Al-Farabi, Abu Nasr Ismail bin Hammad. (1986). *Al-Sihah Taj Al-Lugha wa Sihah Al-Arabiya* (Attar Ahmad Abdul Ghafoor, Ed.), Beirut: Dar Al-Ilm Lil-Malayin. [In Arabic]

Amin, Ahmad. (2012). *Fajr Al-Islam*, Cairo: Hindawi Foundation for Education and Culture. [In Arabic]

Al-Darwish, Muhyi Al-Din. (1994). *I'rab Al-Quran wa Bayanuh*, Syria: Dar Al-Irshad. [In Arabic]

Al-Raghib Al-Isfahani. (1983). *Mufradat fi Alfaz Al-Gharib Al-Quran*, Tehran: Islamiyya Bookstore. [In Persian]

Al-Suyuti, Jalal Al-Din. (1988). *Al-Itqan fi Ulum Al-Quran* (Muhammad Abu Al-Fadl Ibrahim, Ed.), Al-Radi-Bidar Publications. [In Arabic]

Al-Tabatabai, Sayyid Muhammad Husayn. (n.d.). *Al-Mizan fi Tafsir Al-Quran*, Qom: Office of Islamic Publications, Hawza Ilmiyya Qom. [In Persian]

Al-Tabarsi, Fadl bin Hasan. (1993). *Majma' Al-Bayan fi Tafsir Al-Quran*, Tehran: Nasir Khosrow Publications. [In Persian]

- Al-Tusi, Muhammad bin Hasan. (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir Al-Quran*, Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi. [In Arabic]
- Abdul Halim, Muhammad Aas. (2012). "Applications and Astonishing Functions of Iltaf in the Quran," *Quranic Studies*, 2012, 18(2), pp. 54-81. [In Arabic]
- Arusi Huwayzi, Abdul Ali bin Jum'a. (1994). *Tafsir Noor Al-Thaqalayn*, Qom: Ismailian Publications. [In Persian]
- Al-Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1989). *Kitab Al-Ayn*, Qom: Hijrat. [In Persian]
- Fakhr Al-Razi, Muhammad bin Umar. (1999). *Al-Tafsir Al-Kabir (Mafatih Al-Ghayb)*, Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi. [In Arabic]
- Al-Mustafawi, Hasan. (1941). *Al-Tahqiq fi Kalimat Al-Quran Al-Karim*, Tehran: Translation and Publishing Institute. [In Persian]
- Dad, Sima. (1999). *Dictionary of Literary Terms*, Morvarid Publications. [In Persian]
- Ibn Ashur, Muhammad bin Tahir. (n.d.). *Al-Tahrir wa Al-Tanwir*, Beirut: Al-Tarikh Institute. [In Arabic]
- Ibn Faris, Ahmad. (1999). *Maqayis al-Lugha*, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Mimah. [In Arabic]
- Ibn Manzur, Muhammad bin Mukarram. (1992). *Lisan Al-Arab*, Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi. [In Arabic]
- Karminiya, Morteza. (2014). "Hapax Legomena in the Quran: An Analytical Study of Single-Occurrence Words and Phrases in the Holy Quran," *Quran and Hadith Studies*, 47(2), pp. 247-284. [In Persian]
- Ma'rifat, Muhammad Hadi. (n.d.). *Al-Tamhid fi Ulum Al-Quran*, Islamic Publishing Institute. [In Persian]
- Ma'muri, Ali. (2013). *Narrative Structure Analysis in the Quran*, Tehran: Negah Moaser. [In Persian]
- Nabiei, Sajedeh. (2021). *Formal and Content Structure of Medinan Surahs; Model Presentation and Its Application* (Doctoral Dissertation), Tehran, Al-Zahra University. [In Persian]
- Sayyid Qutb Shadhili, Ibrahim. (1991). *Fi Zilal Al-Quran*, Beirut-Cairo: Dar Al-Sharq. [In Arabic]
- Sadeqi Tehrani, Muhammad. (1986). *Al-Furqan fi Tafsir Al-Quran*

bil-Quran wa Al-Sunnah, Qom: Islamic Culture Publications.
[In Persian]

Salehi Nia, Maryam. (2015). *Sanctity and Structure*, Tehran: Negah Moaser. [In Persian]

The Holy Bible. (2000). *The Books of the Old Testament* (Translated by Fazel Khan Hamadani and William Glen), Tehran: Asatir. [In Persian]



استناد به این مقاله: جلالی کندری، سهیلا، نیل‌ساز، نصرت، نبی‌زاده، ساجده. (۱۴۰۳). تحلیل ساختار روایت در سوره‌های مدنی قرآن کریم، دو فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۵(۴۹)، ۵۵-۸۱.
DOI: 10.22054/ajsm.2025.77424.1993



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی